

نگاهی دوباره به انقلاب اسلامی ایران (۲)

واژه «انقلاب» از مصدر عربی از ریشه انفعال و در لغت به معنی برگشتن، برگشتن از کاری و حالی، واژگون شدن، تحوّل، تبدل (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «انقلاب») و... به کار رفته است. این واژه نخست در اخترشناسی در مفهوم تغییر فصل از تابستان به زمستان و از بهار به تابستان، یا به تعبیر دیگر انقلاب زمستانی و انقلاب تابستانی، به کار می‌رفت (مصطفی، ۱۳۵۷: ذیل «انقلاب»). در نوشته‌های افلاطون و ارسطو و نیز گروهی از اندیشمندان مسلمان مانند اخوان‌الصفاء، امام محمد غزالی، خواجه نظام‌الملک طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن خلدون و... نکاتی در باب دگرگونی‌های سیاسی و عوامل زوال و بقای دولت‌ها آمده است و می‌توان از آن‌ها با عنوان نظریه‌های سنتی حوزه انقلاب یاد کرد.

رواج تعبیری نظیر انقلاب صنعتی، انقلاب اطلاعات، انقلاب علمی، انقلاب پزشکی، انقلاب فرویدی، انقلاب مشروطه، انقلاب روسیه و... در عصر حاضر نشان می‌دهد که دامنه کاربرد واژه انقلاب گسترده است. اما به نظر می‌رسد امروزه انقلاب یا تحول انقلابی در مفهوم عام آن، معمولاً، در مورد رویدادهایی به کار می‌رود که طی آن‌ها ساختارهای کهن از میان رفته و ساختارها یا نگرش‌های تازه و تجربه‌نشده جایگزین آن‌ها شده یا در حال جایگزین شدن باشند (کوهن، ۱۳۶۹: ۲۰-۲۱).



انقلاب^۱ یکی از اصطلاحات رایج علوم سیاسی است. کاربرد واژه انقلاب، در مفهوم سیاسی آن، در ایران به سده‌های اخیر و آشنایی ایران با غرب و تحولات سیاسی و اجتماعی آن - به‌ویژه آشنایی با انقلاب فرانسه (۱۷۸۹ - ۱۷۹۹ م) و در پی آن سایر انقلاب‌های بزرگ جهان - بازمی‌گردد. در تعریف و بیان چستی «انقلاب» اتفاق نظر وجود ندارد، اما اغلب تعریف‌ها را کم‌وبیش می‌توان در دو دسته جای داد. در تعاریف دسته نخست، انقلاب به معنی تحولاتی است که منجر به تجدید بنای دولت می‌شود و تغییرات و نتایج عظیمی برای جامعه به دنبال دارد. چنین انقلابی را انقلاب سیاسی و یا کبیر نامیده‌اند. کرین بریتون، جورج پتی، زیگموند نیومن، و برخی از نظریه‌پردازان و پیروان مارکسیسم نظیر لنین، مائو و کاسترو جزو این دسته‌اند. در تعاریف دسته دوم، انقلاب به هرگونه انتقال قدرت فراقانونی و خشونت‌آمیز گفته می‌شود. این تعریف طبیعتاً تحولات دسته نخست را نیز تا اندازه زیادی دربرمی‌گیرد. فرق اساسی دسته نخست و دوم در آن است که در تعاریف دسته نخست، چستی تحول، گستردگی و چگونگی آن اهمیت دارد و از این رو، با توجه به تعاریف زیرمجموعه این دیدگاه، فقط تعداد اندکی از موقعیت‌ها انقلاب نامیده می‌شوند. اما در تعاریف دسته دوم، فقط «چگونگی تحول» اهمیت دارد و دو ویژگی «غیرقانونی بودن» و «خشونت‌آمیز بودن»، در اطلاق نام «انقلاب» به یک تحول سیاسی، مسئله اساسی است. چالمرز جانسون، رودولف رومل، ریموند تانتر، پیترو کالورت و جیمز دیویس از مشهورترین نظریه‌پردازان دسته دوم‌اند (کوهن، ۱۳۶۹: ۲۴-۲۵).

اگر انقلاب را از دیدگاه نظریه‌پردازان انقلاب‌های کبیر بررسی کنیم، در تعاریف آنان تفاوت‌های گاه جدی به چشم می‌خورد. بررسی مجموعه این تعاریف نشان می‌دهد که در مکاتب مختلف انقلاب کبیر، انقلاب ابعاد گوناگونی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: استحاله ساختار ارزشی، تغییر ساختار اجتماعی، تحول در نهادهای سیاسی، قانونیت تغییر، تغییر نخبگان، و خشونت از جمله آن‌اند. تعداد اندکی از تعاریف شامل همه این ابعاد می‌شوند. بسیاری از تعاریف شمار اندکی از این ابعاد را دربرمی‌گیرند. برای مثال، پتی و هانتینگتون بر بعد استحاله ساختار ارزشی تأکید می‌ورزند. به عقیده پتی، انقلاب کبیر انقلابی است که در آن تجدید بنای نهاد دولت همراه با جانشینی یک اسطوره به جای اسطوره دیگر است، یا از نظر هانتینگتون، انقلاب «یک تحول داخلی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز در زمینه ارزش‌های مسلط و اسطوره یک جامعه است». یا مثلاً، «دگرگونی ساختاری» از نظر بسیاری از نظریه‌پردازان، مؤلفه عمده انقلاب است. به‌ویژه از نظر مارکسیست‌ها، انقلاب تغییر ساختار اجتماعی است. چنان‌که مارکس باور دارد «انقلاب یا تغییر شکل یک نظام



کامل وقتی رخ می‌دهد که طبقه‌ای از انسان‌ها برای خروج از وضعیت فلاکت‌بار خویش راه دیگری جز دست زدن به انقلاب نمی‌بینند».

آیا انقلاب یک شورش اجتماعی است؟ انقلاب نافرمانی است؟ در تاریخ بشری، قیام‌ها و نهضت‌هایی از قبیل شورش دهقانی، اعتراض برای نان، اعتصاب، جنبش اجتماعی، کودتا، و جنگ داخلی به تواتر داشته‌ایم. اما می‌توان به آن‌ها لفظ انقلاب اطلاق کرد؟ هر کدام از عناوین فوق می‌توانند بخشی از عناصر تشکیل‌دهنده یک انقلاب محسوب شوند. اما انقلاب، ذاتاً، از عناوین یادشده متفاوت است. انقلاب‌ها همه عناصری را که می‌توانند به صورت قهری حکومت قبلی را ساقط کنند - همچون بسیج توده‌ای، دنبال کردن چشم‌اندازی از عدالت اجتماعی، و ایجاد یک نهاد سیاسی جدید - در خود دارند. اما به نظر می‌رسد بدون رهبری، با دیدگاه‌های دوراندیشانه، انقلابی به ثمر نخواهد نشست. مطالعه نوشته‌های متعدد گذشته نشان می‌دهد که پدیده «انقلاب» در مفهومی نزدیک به تعاریف دسته دوم قدمت بسیار دارد. چنان‌که براساس بعضی پژوهش‌ها، در فاصله سال‌های ۶۰۰ ق.م تا ۱۴۶ ق.م، هشتاد و چهار انقلاب در یونان باستان رخ داد و در فاصله ۵۰۹ ق.م تا ۴۷۶ م صد و هفتاد انقلاب و آشوب در روم باستان (کوهن، ۱۳۶۹: ۲۷). اما انقلاب در معنای خاص و جدید آن و به‌ویژه در مفهومی نزدیک به تعاریف‌های دسته نخست، متعلق به سده‌های اخیر است و از سده هفدهم میلادی به بعد، شکل گرفت، که مشروعیت مذهبی و قانونی پادشاه رفته‌رفته کمرنگ شد و امور سیاسی به امری عرفی بدل گشت (همان جا). این بدان معنا است که انقلاب پدیده‌ای مدرن است.

در شماره گذشته، به این موضوع پرداختیم که در جهان تعداد انقلاب‌های بزرگ که همه زوایای جامعه را به صورت ناگهانی تغییر داده باشند، محدود است و انقلاب اسلامی ایران آخرین انقلاب اجتماعی است که در جامعه بشری رخ داده است. شناخت این انقلاب، دلایل ظهور و پیامدهای آن از کارهای مهم نخبگان کشور است. به نظر من، انقلاب پدیده‌ای است جدید که فقط در جوامعی اتفاق می‌افتد که از سطحی از توسعه برخوردارند. این نظر بدان معنا نیست که در جامعه در حال انقلاب، همه لایه‌های اجتماعی از سطحی از رفاه برخوردارند، بلکه مراد آن است که تا شکل نگرفتن جامعه شهری و پیدا شدن طبقات اجتماعی، به‌خصوص روشنفکران، مسئله شروع و ادامه تغییرات بنیادین امکان‌پذیر نیست. مطالعه جدی و موردی پدیده‌های سیاسی و اجتماعی از جمله انقلاب‌ها امر تازه‌ای است و به سده‌های اخیر تعلق دارد.

در شماره بهار ۱۳۹۷ مجله مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی بخش ویژه‌ای برای بازبینی انقلاب اسلامی در نظر گرفته شده است. در این شماره، یک مقاله از جک



گلدستون مؤلف *دائرة المعارف انقلاب* آمده است. او برای ما به صورتی ساده مفهوم انقلاب و پیامدهای آن را شرح می‌دهد. مقاله دوم در مورد ارزیابی عملکرد انقلاب اسلامی ایران در بنیان‌گذاری نظم سیاسی در دوران پس از انقلاب است. سجاد فتاحی در این زمینه پیشنهادهایی دارد. یک بار دیگر از همه نویسندگان و پژوهشگران در خواست می‌کنم که در زمینه انقلاب اسلامی ایران، در آستانه چهلمین سال وقوع آن، تحقیق کنند و بنویسند. این مجله فضایی برای چاپ این گونه مقالات و گزارش‌ها است.

در این شماره، در بخش علمی - پژوهشی، سه مقاله در زمینه ابعاد مختلف آموزش عالی، سه مقاله در باب مسائل اجتماعی، سه مقاله در زمینه سیاست خارجی و یک مقاله درباره سیاست‌گذاری رسانه منتشر شده است. همچنین، در بخش «گزارش سیاستی»، گزارشی درباره سیاست‌گذاری در زمینه زبان فارسی منتشر شده است.

کتابنامه

دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. *لغت‌نامه*. دوره جدید. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
کوهن، آلون استانفورد. ۱۳۶۹. *تئوری‌های انقلاب*. ترجمه علیرضا طیب. چاپ ۱. تهران: شرکت نشر قومس.
مصطفی، ابوالفضل. ۱۳۵۷. *فرهنگ اصطلاحات نجومی*. تهران: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

عباس ملکی